

بازگشت امام خمینی به میهن

با گسترش قیام مردم و خروج شاه از ایران، شاپور بختیار به عنوان آخرین و تنها امید رژیم پهلوی و سردمداران غربی پشتیبان این رژیم، به عنوان نخست وزیر باقی مانده بود. در طرف مقابل تظاهرات مردم هر روز پر شورتر و مصمم تر می شد و شعار استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی بعنوان اصلی ترین خواسته مردم در نهضت انقلابی به رهبری امام خمینی مطرح می شد.

امام خمینی که شرط ورود خود را به کشور، خروج شاه، اعلام کرده بودند، با فرار شاه در ۲۶ دی ۱۳۵۷، تصمیم به بازگشت گرفتند. قرار بود این رجعت تاریخی در روز پنجشنبه پنجم بهمن ۱۳۵۷ انجام گیرد اما بختیار، با بستن فرودگاه ها مانع از انجام این امر شد. با انتشار خبر بسته شدن فرودگاهها، مردم خشمگین به خیابان ها ریخته و با تحصن و شعارهای کوبنده، دولت بختیار را تحت فشار شدیدی قرار دادند.

در همین زمان رئیس شورای سلطنت، سید جلال تهرانی، در پاریس ضمن استعفا خدمت امام، اعلام کرد که شورای سلطنت غیر قانونی است. سرانجام، تحصن ها و تظاهرات عظیم مردم بختیار را مجبور کرد، فرودگاه ها را باز کند. کارکنان اعتصابی تلویزیون اعلام کردند برای ضبط و پخش مستقیم مراسم آماده اند. فرودگاه مهرآباد آماده استقبال از پرواز انقلاب بود.

روز ۱۲ بهمن ۱۳۵۷، پرشکوه ترین استقبال تاریخی رقم خورد و هواپیمای ایرفرانس در حوالی ساعت ۹ صبح در فرودگاه مهرآباد نشست و حضرت امام، با قلبی آرام و مطمئن پس از ۱۵ سال هجرت، پا به خاک میهن اسلامی گذاشتند.

صدها خبرنگار و عکاس و فیلمبردار به ثبت این رویداد تاریخی پرداختند. جمعیت استقبال کننده در طول ۳۳ کیلومتر از فرودگاه امام تا بهشت زهرا که مقصد بعدی امام بود. بین ۴ تا ۸ میلیون نفر تخمین زده می شد. امام از فرودگاه مستقیماً به بهشت زهرا رفتند و ضمن ادای احترام به شهدای انقلاب اسلامی، سخنرانی تاریخی خود را در آنجا ایراد کردند.

در این سخنرانی امام نخست وزیری شاپور بختیار را غیر قانونی اعلام کرده و فرمودند: «من به پشتیبانی این ملت دولت تعیین می کنم». بدین ترتیب از ورود امام ده روز تاریخی که بعدها دهه فجر انقلاب اسلامی نام گرفت، سپری شد تا طومار رژیم پهلوی و ۲۵۰۰ استبداد شاهنشاهی برای همیشه در هم تنیده شود.



دانشگاه فرهنگیان
دانشگاه عالی تربیت مدرس



تبعید امام به ترکیه

شاه با غرور همیشگی و به تصور اینکه کشتارها و بازداشت ها و محاکمه ها، نیروی مقاومت عمده را از سر راه برداشته است، تحت فشار آمریکا در انجام اصلاحات دیکته شده کاخ سفید مصمم بود. اصلاحات در نهایت می بایست به نفوذ همه جانبه آمریکا و حضور مستقیم کارگزاران این کشور در عرصه های مختلف اقتصاد و ارتش و ارکان رژیم شاه بیانجامد. از این رو برداشتن موانع حقوقی و قانونی برای حضور نیروهای آمریکایی در ایران و تضمین امنیت و مطلق العنان بودن آنان شرط اولیه بود. احیای رژیم کاپیتولاسیون (مصونیت سیاسی و کنسولی اتباع آمریکایی در ایران) در دستور کار قرار گرفت. تصویب لایحه کاپیتولاسیون بوسیله مجلسین فرمایشی سنا و شورا تیر خلاصی بر استقلال نیم بند ایران بود. افشاگری امام علیه تصویب لایحه کاپیتولاسیون، ایران را در آبان سال ۴۳ در آستانه قیامی دوباره قرار داد. اما رژیم شاه با بهره گیری از تجربه سرکوبی قیام ۱۵ خرداد سال قبل به سرعت دست بکار شد. سحرگاه ۱۳ آبان ۱۳۴۳ دوباره کماندوهای مسلح اعزامی از تهران، منزل امام خمینی در قم را محاصره کردند. شگفت آنکه وقت بازداشت، همانند سال قبل مصادف با نیایش شبانه امام خمینی بود.

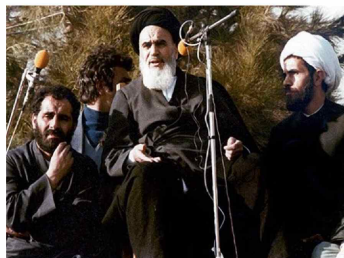
آیت الله حاج آقا مصطفی خمینی نیز در روز تبعید امام بازداشت و زندانی شد و پس از چندی در ۱۳ دیماه ۱۳۴۳ به ترکیه نزد پدر تبعید گردید. اقامت امام در ترکیه ۱۱ ماه به درازا کشید در این مدت رژیم شاه با شدت عمل بی سابقه ای بقایای مقاومت در ایران را در هم شکست و در غیاب امام خمینی دست به اصلاحات آمریکا پسند زد. حضرت امام خمینی (س) در اقامت اجباری در ترکیه تدوین کتاب بزرگ تحریرالوسیله را آغاز برای نخستین بار در آن روزها، احکام مربوط به جهاد، دفاع و امر به معروف و نهی از منکر را به عنوان تکالیف شرعی مطرح ساختند.



دشمنان سعی می کنند انقلاب را از یاد مردم ببرند؛ اما دهه فجر، انقلاب را به یاد مردم می آورد. سعی می کنند امام را از یاد مردم ببرند؛ اما دهه فجر، تجسم اراده و عظمت امام بزرگوار ماست.

عید
۱۳۵۷/۱/۱۲

بخشی از سخنرانی تاریخی امام خمینی در بهشت زهرا



اعوذ بالله من الشیطان الرجیم
بسم الله الرحمن الرحیم
تشکر و تسلیت

ما در این مدت مصیبت ها دیدیم؛ مصیبت های بسیار بزرگ. و بعضی پیروزی ها حاصل شد که البته آن هم بزرگ بود. مصیبت های زن های جوان مرده، مردهای اولاد از دست داده، طفل های پدر از دست داده. من وقتی چشمم به بعضی از اینها که اولاد خودشان را از دست داده اند می افتد، سنگینی در دوشم پیدا می شود که نمی توانم تاب بیاورم. من نمی توانم از عهده این خسارات که بر ملت ما وارد شده است برآیم. من نمی توانم تشکر از این ملت بکنم که همه چیز خودش را در راه خدا داد. خدای تبارک و تعالی باید به آنها اجر عنایت فرماید. من به مادرهای فرزندان از دست داده تسلیت عرض می کنم و در غم آنها شریک هستم. من به پدرهای جوان داده، من به آنها تسلیت عرض می کنم. من به جوانهایی که پدرانشان را در این مدت از دست داده اند تسلیت عرض می کنم.

رژیم سلطنتی مغایر عقل و قانون

خوب، ما حساب بکنیم که این مصیبت ها برای چه به این ملت وارد شد. مگر این ملت چه می گفت و چه می گوید که از آن وقتی که صدای ملت درآمده است تا حالا قتل و ظلم و غارت و همه اینها ادامه دارد. ملت ما چه می گفتند که مستحق این عقوبات شدند. ملت ما یک مطلبش این بود که این سلطنت پهلوی از اول که پایه گذاری شد بر خلاف قوانین بود. آنهایی که در سن من هستند می دانند و دیده اند که مجلس مؤسسان که تأسیس شد، با سرنیزه تأسیس شد. ملت هیچ دخالت نداشت در مجلس مؤسسان. مجلس مؤسسان را با زور سرنیزه تأسیس کردند، و با زور و کلای آن را وادار کردند به اینکه به رضا شاه رأی سلطنت بدهند. پس این سلطنت از اول یک امر باطلی بود؛ بلکه اصل رژیم سلطنتی از اول خلاف قانون و خلاف قواعد عقلی است و خلاف حقوق بشر است. برای اینکه ما فرض می کنیم که یک ملتی تمامشان رأی دادند که یک نفری سلطان باشد؛ بسیار خوب، اینها از باب اینکه مسلط بر سرنوشت خودشان هستند و مختار به سرنوشت خودشان هستند، رأی آنها برای آنها قابل عمل است. لکن اگر یک ملتی رأی دادند- و لو تمامشان- به اینکه اعقاب این سلطان هم سلطان باشد، این به چه حقی [است؟] ملت پنجاه سال پیش از این، سرنوشت ملت بعد را معین می کند؟ سرنوشت هر ملتی به دست خودش است. ما در زمان سابق- فرض بفرمایید که زمان اول قاجاریه- نبودیم؛ اگر فرض کنیم که سلطنت قاجاریه به واسطه یک فرزندمی تحقق پیدا کرد و همه ملت هم- ما فرض کنیم که- رأی مثبت دادند اما رأی مثبت دادند بر آقا محمد خان قاجار و آن سلاطینی که بعدها می آیند؛ در زمانی که ما بودیم و زمان سلطنت احمد شاه بود، هیچ یک از ما زمان آقا محمد خان را ادراک نکرده؛ آن اجداد ما که رأی دادند برای سلطنت قاجاریه، به چه حقی رأی دادند که زمان ما احمد شاه سلطان باشد؟ سرنوشت هر ملت دست خودش است.

دوران مبارزات سیاسی امام خمینی

آغاز مبارزات سیاسی سید روح‌الله خمینی را می‌توان مربوط به اوایل دههٔ ۱۳۲۰ دانست. خمینی در آن زمان، کتاب کشف‌الاسرار خود را در پاسخ به نقدهای مطرح‌شده در کتاب اسرار هزار ساله از علی‌اکبر حکمی‌زاده به تحریر درآورد. او در ادامه با انتشار نخستین بیانیه خود، از مسلمانان ایران و جهان اسلام درخواست کرده بود که در مقابل آنچه او ظلم و ستم قدرت‌های بیگانه و هم‌پیمانان آن‌ها خوانده بود، اقدام کنند. پس از درگذشت آیت‌الله بروجردی رویه خمینی در مبارزات سیاسی‌اش تغییر کرد. ماجرای «لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی» در تیر ماه ۱۳۴۱ را می‌توان اولین رویارویی جدی او با حکومت در نظر گرفت، جایی‌که با اعتراضات او و سایر روحانیون، موجب لغو این لایحه - که خمینی آن را «ضد دین» و «زمینه‌ای برای نفوذ بهائیت به عرصه‌های مختلف کشور می‌دانست - گشت. مبارزات خمینی با حکومت در زمان مطرح شدن طرح انقلاب سفید در دی ماه ۱۳۴۱ به اوج خود رسید. او که با بیانیه‌های مختلف سعی در تحریم همه‌پرسی این طرح از سوی مردم داشت، بعد از تصویب آن، نوروز آن سال را عزای عمومی اعلام کرد. پس از حمله به مدرسه فیضیه از سوی نیروهای حکومت در روز شهادت جعفر صادق در فروردین ۱۳۴۲، و کشته و مجروح ساختن طلاب و وارد آوردن خسارات به مدرسه، سخنان امام خمینی علیه حکومت حالت شدیدالحن‌تری به خود گرفت، به‌گونه‌ای که در خرداد آن سال و در سخنرانی روز عاشورا، او شاه را با الفاظی نظیر «بدبخت» و «بیچاره» خطاب کرد و او را با یزید برابر دانست. بامداد ۱۵ خرداد ۱۳۴۲، خمینی دستگیر و به زندان قصر تهران انتقال داده‌شد. انتشار خبر دستگیری او، اعتراضاتی را در شهرهای مختلف برانگیخت که به قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ شهرت یافت. با این‌که در ادامه و با اعتراضات مردم و علما، خمینی پس از دو ماه آزاد شد، اما سخنرانی تند او علیه حکومت در مهر ماه ۱۳۴۳ و در پی تصویب لایحهٔ کاپیتولاسیون، منجر به دستگیری مجدد او در ۱۳ آبان ماه آن سال و این بار تبعید او به ترکیه شد. در ۱۴ شهریور ۱۳۴۴، خمینی از ترکیه به عراق و شهر نجف انتقال داده‌شد. در دوران تبعید، او هم چنان با ارسال بیانیه‌های مختلف نسبت به مسائل کشور اظهارنظر می‌کرد و به مبارزات سیاسی خود ادامه می داد. هم‌زمان در ایران، وقوع حوادثی مانند قتل سید مصطفی خمینی و انتشار مقاله روزنامه اطلاعات علیه خمینی، اعتراضات مردمی علیه حکومت را افزایش داد و منجر به وقوع تظاهراتی مانند تظاهرات ۱۷ شهریور ۱۳۵۷ گردید. امام خمینی در ۱۴ مهر ۱۳۵۷، وادار به ترک عراق و اقامت در پاریس شد. در دوران کوتاه اقامت در نوفل‌لوشاتو نیز، خمینی - با آزادی بیشتری - هم‌چنان به هدایت مبارزات مردم در قالب ارسال اعلامیه و بیانیه به طرق مختلف ادامه می‌داد. او از همان‌جا اقدام به تشکیل دولت موقت انقلاب کرد، و پس از خروج شاه در ۲۶ دی آن سال از کشور و فراهم شدن شرایط، در روز ۱۲ بهمن به کشور بازگشت و با تسلیم‌شدن ارتش در روز ۲۲ بهمن، انقلاب به پیروزی رسید.

روز شمار دهه فجر

سیزده بهمن ۱۳۵۷

دیدار گروه‌های مختلف مردم با امام خمینی؛ ادامه‌ی درگیری‌های شدید در شهرهای کشور

پانزده بهمن ۱۳۵۷

اعتصاب کارکنان نخست‌وزیری؛ بازداشت بسیاری از وزراء و کارمندان عالی‌رتبه دولت به جرم فساد مالی و سوءاستفاده از بیت‌المال توسط دولت بختیار

هفده بهمن ۱۳۵۷

تظاهرات گسترده به حمایت از بازرگان در سطح کشور؛ حذف سوگند وفاداری به شاه از مراسم قسم سربازی؛ خروج ژنرال هایزر از ایران

نوزده بهمن ۱۳۵۷

رژه‌ی عده‌ی زیادی از همافران و پرسنل نیروی هوایی در مقابل امام‌خمینی

بیست و یکم بهمن ۱۳۵۷

دست‌یابی مردم به اسلحه‌خانه نیروی هوایی و شدت یافتن درگیری مسلحانه مردم و نظامیان؛ انتشار متن فتوای امام مبنی بر باطل بودن قسم وفاداری ارتشیان به شاه؛ اعلام منع عبور و مرور از ساعت چهار و سی دقیقه عصر توسط ارتش شاه؛ انتشار حکم امام درباره‌ی ماندن مردم در خیابان‌ها؛ پیوستن نیروی دریایی و هوایی به مردم

صاحب امتیاز:

بسیج دانشجویی شهید فاضلی دانشگاه فرهنگیان، واحد شهید رجایی

تربیت حیدریه

مدیر مسئول: رضایی مقدم / سردبیر: علیرضا غیائی

هیئت تحریریه: علیرضا غیائی / صفحه آرا: علیرضا غیائی

دوازده بهمن ۱۳۵۷

بازگشت پیروزمندانه‌ی امام خمینی به میهن پس از سال‌ها تبعید

چهارده بهمن ۱۳۵۷

استعفای شهردار تهران و انتصاب دوباره ی او از سوی امام به همان سمت

شانزده بهمن ۱۳۵۷

انتخاب مهندس مهدی بازرگان به نخست‌وزیری دولت موقت از سوی امام خمینی

هجده بهمن ۱۳۵۷

تجمع طرفداران بختیار در ورزشگاه امجدیه (شهید شیرودی)؛ آغاز کار «کانال تلویزیونی انقلاب»

بیست بهمن ۱۳۵۷

اعلام سیاست‌ها و وظایف دولت موقت توسط مهندس مهدی بازرگان؛ درگیری شدید میان همافران و دانشجویان نیروی هوایی با افراد گارد جاویدان

بیست و دوم بهمن ۱۳۵۷

اعلام بی‌طرفی ارتش؛ سقوط حکومت ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی و پیروزی انقلاب اسلامی ایران

اتفاقاتی که در ۲۲ بهمن ماه سال ۱۳۵۷ افتاد

تهران و اغلب شهرستان ها همچنان صحنه جنگ خونین مردم و نیروهای مسلح بود. از غروب روز بیستم، کسی خیابان‌ها را ترک نکرده بود. درحالی‌که حملات مردم مسلح به تمام مراکز قدرت رژیم شدیدتر می شد خبر رسید که ستاد ژاندارمری واقع در میدان بیست وچهار اسفند (انقلاب) به دست افراد نیروی هوایی، دریایی و مردم افتاده است. پس از ساعتها زد و خورد، پادگان عشرت آباد به تصرف مردم در آمد و بر اثر حملات مردم به تسلیحات ارتش، کارخانه‌ها و انبارهای اسلحه به دست مردم افتاد. سرانجام درحالی که همه خیابان‌ها شاهد حضور جوانان مسلح بود، در ساعت ۳۰/۱۰ دقیقه صبح، شورای عالی ارتش با شرکت رئیس ستاد، وزیر جنگ واکثر فرماندهان تشکیل جلسه داد و پس از مذاکرات بسیار، طی اعلامیه‌ای بی طرفی ارتش را اعلام کرد:

«با توجه به تحولات اخیر کشور، شورای عالی ارتش در ساعت ده و نیم امروز بیست و دوم بهمن سال هزار و سیصد و پنجاه و هفت، به اتفاق آراء تصمیم گرفته شد که برای جلوگیری از هرج و مرج و خونریزی بیشتر، بی طرفی خود را در مناقشات سیاسی فعلی اعلام و به یگان‌های نظامی دستور داده شد به پادگان‌های خود مراجعت نمایند. ارتش ایران همواره پشتیبان ملت شریف و نجیب و وطن پرست ایران بوده و خواهد بود و از خواسته های ملت شریف با تمام قدرت پشتیبانی می نماید.»

این اعلامیه زمانی از رادیو پخش شد که شهر پر بود از مردم مسلحی که سوار بر خودروهای نظامی بودند. همچنین کاخ گلستان، مرکز رادیو ایران و ژاندارمری کل کشور در دست مردم بود. شهربانی کل کشور، دانشکده افسری، دانشکده پلیس و دبیرستان نظام نیز به دست نیروهای مردمی فتح شد. مردم، زندان کمیته [کمیته‌ی مشترک ضدخرابکاری] را که مرکز بازجویی و شکنجه متهمان سیاسی بود، به تصرف درآوردند و زندانیان را آزاد کردند. تا غروب این روز، تمام کلانتری ها، پادگان‌ها، پاسگاه ها و مراکز نظامی به دست مردم افتاد، زندان قصر، زندان جمشیدیه نیز تصرف شد و زندانیان آن‌ها فرار کردند، اما توسط مردم دستگیر شده و به مدرسه رفاه - محل شورای انقلاب - برده شدند. فرمانداری نظامی آخرین اطلاعیه خود را صادر کرد. به موجب این اطلاعیه از نظامیان خواسته شد برای اجرای تصمیم شورای عالی ارتش به پادگان‌های خود برگردند. درحالی که مردم به سوی کاخ نخست وزیری در حرکت بودند، بختیار که پس از فرار نظامیان با تعداد کمی محافظ تنها مانده بود ناهار خود را نیمه تمام رها کرد و از در پشتی ساختمان نخست وزیری گریخت. سپهبد رحیمی (فرماندار نظامی تهران و رئیس شهربانی) به دست مردم اسیر شد و سرلشکر ناجی (فرمانده گارد جاویدان) در حوالی میدان فوزیه امام حسین (ع) در جریان زد و خورد به ضرب گلوله ای کشته شد. امیرعباس هویدا نخست وزیر اسبق، نیز خود را به شورای انقلاب تسلیم کرد. رادیو و تلویزیون نظامی به تصرف مردم در آمد. در آخرین لحظه‌ها گوینده رادیو پیامی را که از سوی آیت الله طالقانی رسیده بود، خواند و سپس برنامه قطع شد. در آن پیام ازکارکنان اعتصابی رادیو و تلویزیون خواسته شده بود تا به سرکار خود بازگردند. پس از سکوتی نسبتا طولانی، رادیو دوباره آغاز به کار کرد. صدای گوینده از شدت هیجان می لرزید:

«توجه توجه ... این صدای انقلاب ملت ایران است...»

فریاد شادی از تمام خاک ایران برخاست، آخرین سلسله‌ی پادشاهی ایران، سرانجام سقوط کرد...



بسیج از نگاه امام خمینی

حضرت امام خمینی(ره) که همیشه بر نقش مردم و ساخته است. مبارزه حق با باطل بر شدت کینه توزی اهمیت حیاتی آن در تأمین سلامت و موفقیت نظام تأکید های دشمنان اسلام- بویژه دشمنان انقلاب اسلامی و می کردند، با درایت خاصی در آذرماه ۱۳۵۸، طی بیاناتی دستاوردهای آن- در عصر حاضر افزوده است. انقلاب ضرورت تشکیل مدرسه عشق یا همان بسیج مستضعفان را اسلامی ایران، مستکبران جهان را سخت به وحشت اعلام فرمودند.برکات این شجره و عطر دلاویز شکوفه‌های افکنده، و آنان را به تکاپو واداشته، تا چندین نوبت کودتا آن، در طی بحران‌های سال‌های اولیه انقلاب و جنگ و حمله نظامی مستقیم و انواع محاصره ها و در نهایت تحمیلی و بعد از آن به سراسر مملکت اسلامی ما رسید، و تحمیل جنگ به دست رژیم عراق برای براندازی نظام فضای آن را معطر ساخت و انقلاب و جنگ را به نفع اسلام نوپای ایران را بیازمایند؛ ولی به یمن عنایت همیشگی و مسلمانان به پایان رسانید؛ و این همه جز در پرتو جهان حضرت حق و بیداری و هدایت امام راحل، بسیج ملت بینی و تدبیر آن پیر فرزانه و حضور نیروهای مردمی و همیشه زنده، با استفاده از امکانات کشور، توانست پیوند الهی آنان با ولایت حاصل نشد. در سخنان امام- مستکبران جهانی را- که با تمام قوا برای حمایت از قدس سره- سابقه بسیج به بیداری قوم بنی‌اسرائیل و قیام رژیم عراق متحد شده بودند- به زانو درآورد، و ملت را آن قوم بر ضد ظلم فرعون، به فرمان حضرت موسی- علیه مانند اولیای خدا آبرو بخشد. مراد حضرت امام (س) از السلام- و بسیج اصحاب پابرهنه و فقیر صفّه در برابر ظلم بسیج، فراتر و جامعتر از معانی مذکور در لغتنامه هاست، و غارت اشراف بت پرست مکه، به دعوت رسول اکرم- صلی و حتی با درک اغلب مردم از بسیج به عنوان نهادی الله علیه و آله و سلم- و نیز اهتمام ائمه اطهار- علیهم رزمی متفاوت است. در اندیشه حضرت امام (س) بسیج السلام- که نگرشی الهی داشتند، و به تشویق مردم به هم یک نهادی است اجتماعی با ابعاد متعدد. در این نگرش، پیمانی برای حل مسائل سیاسی و کاهش رفتاری بسیج دیگر صرفاً سازمانی نظامی نیست که فقط در مسلمین باز می گردد.حوادث پانزدهم خرداد سال ۱۳۴۲ زمان جنگ و برای دفاع در مقابل دشمن شکل گرفته در برابر ظلم و خیانت رژیم پهلوی، و استمرار مبارزه آنان باشد، بلکه نهادی است وسیع و پاسخگوی نیازهای تا سرنگونی حکومت شاهنشاهی در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ اساسی و حیاتی جامعه.

ماهیت بسیجی دارد. این بسیج شدن‌ها و قیام‌های معنوی

مردمی، همواره خواب راحت ستمگران قدرتمند را آشفته

